



فرہنگ زیارت

جواد محدثی

خادم الحرمین

مقصود از دو حرم، حرم امن الهی در مکه و حرم شریف نبوی در مدینه است. به کسی که تولیت و سرپرستی مکه و مدینه را بر عهده داشته باشد و به زائران این دو حرم مقدس خدمت کند، «خادم الحرمین» گفته می‌شود. در سال‌های اخیر، پادشاهان آل سعود این لقب را در مورد خود به کار برده‌اند؛ اما درباره درستی یا نادرستی این وصف درباره آنان تاریخ قضاوت خواهد کرد.

• خادم افتخاری معمولاً بیرون از حرم دارای شغل و کار خاص شخصی است، ولی افتخار می‌کند که ساعاتی را هم در خدمت زائران حرم باشد.

خانه خدا

به کعبه که در مکه مکرمه است و قبله‌گاه مسلمانان به شمار می‌رود «بیت‌الله الحرام» و خانه خدا گفته می‌شود. در قرآن هم خداوند از کعبه به عنوان «خانه من» یاد فرموده است: ﴿طَهِّرَا بَيْتِيَ لِطَائِفِينَ...﴾^۲ گرچه همه مساجد خانه خداست، ولی بیت‌الله بیشتر به مسجدالحرام و کعبه گفته می‌شود که شرافت بیشتری دارد و حجاج به زیارت آن می‌روند. حضرت ابراهیم علیه السلام نیز وقتی هاجر و اسماعیل را کنار کعبه گذاشت و بازگشت، خطاب به خدا عرض کرد که من از ذریه خودم کسانی را کنار «خانه تو» گذاشتم.^۲

خُدَام

جمع خادم است؛ کسانی که در حرم‌های مختلف و مزارات معصومین و مساجد و معابد به حفاظت و مراقبت و خدمت‌رسانی به زائران و تمیز کردن حرم مشغولند. به خُدَام، «سَدَنَه» هم گفته می‌شود؛ چون «سادن» هم به معنای خادم است. تکریم خُدَام لازم است؛ چرا که با سرمایه عشق و محبت در آستان اهل بیت خدمت می‌کنند. شهید اول می‌گوید:

سزاوار است خُدَام حرم‌ها از اهل خیر و صلاح و متدین و صاحب مروّت و تحمل و صبوری باشند؛ عصبانی نشوند؛ برخورد خشن نداشته باشند؛ حالت کم‌رسانی، خدمت‌گزاری، تکریم زوّار، ارشاد گمشده‌ها، کمک به ضعیفان و برخورد محبت‌آمیز با واردین داشته باشند؛ اگر از کسی

خادم

به کسانی که در حرم‌های مقدس و زیارتگاه‌ها و امام‌زاده‌ها خدمت می‌کنند و به نظم و نظافت و کفشداری و غبارروبی و امور خدماتی و فرهنگی مشغولند، «خادم» گفته می‌شود. به متصدیان امور خدماتی مساجد و حسینیه‌ها هم خادم می‌گویند. خدمت‌گزاری در معابد و مساجد و مشاهد مشرفه، از کارهای بارزش و مقدس است و موجب اجر الهی است. مادر حضرت مریم علیها السلام نیز در دوران بارداری نذر کرده بود تا فرزندی که در شکم دارد، خدمت‌گزار بیت‌المقدس باشد، ولی فرزند او دختر بود.^۱

خادم‌افتخاری

غیر از خادمان رسمی حرم‌ها و آستان‌های مقدس که استخدام می‌شوند، کسانی هم نه به قصد مزد و حقوق، بلکه برای کسب افتخار و بردن اجر معنوی، در حرم‌های مطهر کار می‌کنند و اغلب، کارهایی انجام می‌دهند که در خدمت زائران ائمه است؛ مثل کفشداری، جارو کردن، انتظامات و راهنمایی زائرین، جمع کردن و پهن کردن فرش‌ها. به این دسته از خادمان «خُدَام افتخاری» گفته می‌شود. خادم افتخاری معمولاً بیرون از حرم دارای شغل و کار خاص شخصی است، ولی افتخار می‌کند که ساعاتی را هم در خدمت زائران حرم باشد.

بسیاری از بزرگان و علما و شخصیت‌های مشهور، برای کسب این فیض، نام خود را به عنوان «خادم افتخاری» ثبت می‌کنند و در زمان‌های مخصوصی در حرم به زائران خدمت می‌کنند و طبق نوبت و زمان تعیین شده، لباس ویژه خادم را می‌پوشند و به ادای وظیفه می‌پردازند. نام مراجع، مسئولان مملکتی، وزراء، فرماندهان و... در لیست خادم افتخاری دیده می‌شود. در حرم‌ها اداره خاصی است که به امور «خادم افتخاری» و جذب گزینش و برنامه‌ریزی آنان می‌پردازد.

حرکت نامناسب و قصور و سهل انگاری دیدند، هشدار دهند و موعظه کنند و اگر کار خلاف و گناه دیدند، نهی از منکر کنند.^۲

• به خدام، «سَدَنَه» هم گفته می‌شود؛ چون «سادن» هم به معنای خادم است. تکریم خدام لازم است؛ چرا که با سرمایه عشق و محبت در آستان اهل بیت خدمت می‌کنند. شهید اول می‌گوید:

خطبه خوانی

«خطبه» متن مکتوب یا سخنی شفاهی است که همراه با حمد و ثنای الهی و سلام و صلوات بر پیامبر و خاندان عصمت و ذکر منقبت آنان است. خطبه خواندن، مراسمی خاص است که در حرم‌های مطهر، همه روزه صبحگاهان و در بعضی از ایام خاص و مقدس و ولادت‌ها و اعیاد یا روزهای جمعه برگزار می‌شود. در این مراسم خادمان و متولیان حرم حاضر می‌شوند و متنی مشتمل بر دعا و ثنا و حمد و سپاس و ذکر فضایل و مناقب صاحب آن بقعه و حرم خوانده می‌شود. متنی که اغلب، ادبی و مستجع است و نمادی از شکوه صاحب حرم و ادای احترام به اوست. در گذشته، خطبه خوانی برای مدح و ثنای سلطان و امیر و حاکم بر سر منبر بوده است، اما در حرم‌ها برای تکریم صاحب مزار خوانده می‌شود. در اشعار مربوط به امام زمان (عج) آمده است:

خطبه تو خوان تا خطبا دم زنند

سگه تو زن تا امرا کم زنند

خطبه خوانی از مراسم و شئون حکومتی بوده و خطیب هم از سوی حاکم به این منصب تعیین می‌شده است؛ هم‌چنان که ضرب سگه نیز از امور حکومت به شمار می‌رفته است. در شعر خاقانی آمده است:

خطبه این دار مُلک، وقف بر القاب توست

سگه این دار ضرب، باز به نام تو باد^۵

خیمه‌گاه

نام محلی در شهر کربلا و در نزدیکی حرم مطهر امام حسین (ع) که بنای خاصی دارد و اخیراً بازسازی شده است. این بنا در محل استقرار خیمه‌های امام حسین (ع) و اصحاب و اهل

بیت او در کربلا بنا شده و با میدان نبرد فاصله داشته است. امام حسین (ع) روز دوم محرم سال ۶۰ هجری، وقتی به سرزمین کربلا رسید، فرمود تا همان‌جا فرود آیند و خیمه‌ها را برپا کنند. آن محل نزدیک به شریعه فرات بوده که امکان دسترسی به آب فراهم باشد. یکی از مورخان درباره خیمه‌گاه می‌نویسد:

آنچه امروز در کربلا در جنوب غربی حرم حسینی به نام خیمه‌گاه (مخیم) موجود است و زائران آن‌جا را زیارت کرده و به آن تبرک می‌جویند، در زمان‌های قدیم نبوده است و بعدها در محل خیمه‌گاه امام حسین (ع) بنایی ساخته شد، تا نشانی از آن مکان باشد. بنای فعلی ساختمان و قبه خیمه‌گاه ساخته «مدحت پاشا» برای پذیرایی ناصرالدین شاه و درباریان او بوده و به قولی هم «عبدالؤمن» آن را ساخته است.^۶

دار

خانه، سرا، مکان خاص برای انجام کاری و مراسمی. در حرم‌های مطهر، رواق‌ها، شبستان‌ها و بخش‌هایی را با این عنوان نام‌گذاری می‌کنند؛ مثل دارالتلاوه، دارالضیافه، دارالزهد و امثال آن. در ترکیب فارسی هم با پسوند «سرا» و «خانه» به کار می‌رود؛ مانند: ماتم‌سرا، عزاخانه، نمازخانه.

• آنچه امروز در کربلا در جنوب غربی حرم حسینی به نام خیمه‌گاه (مخیم) موجود است و زائران آن‌جا را زیارت کرده و به آن تبرک می‌جویند، در زمان‌های قدیم نبوده است و بعدها در محل خیمه‌گاه امام حسین (ع) بنایی ساخته شد، تا نشانی از آن مکان باشد.

دخیل

دخیل، هم به معنای کسی است که در کاری دخالت می‌کند و در امری دخیل است، هم به معنای مهمان که بر کسی وارد می‌شود و هم به معنای دوست خالص و صمیمی و همدل. دخیل شدن و دخیل بستن به معنای توسل و پناه‌جویی و امان‌خواهی است. به بستن خرقه و نخ‌ی به ضریحی یا درختی یا سقاخانه‌ای به قصد برآمدن حاجت هم «دخیل بستن» گویند و هر نوع پناهنده به یک شخصیت صاحب نفوذ هم «دخیل» است.

درگاه

آستان؛ جایی از خانه و ساختمان که «در» نصب می‌شود. آستانه در؛ عتبه. امروزه درگاه به آستان‌های مقدس یا مساجد اختصاص دارد. به آستانه ملوک و قصر سلاطین هم درگاه می‌گفتند (به «آستان» رجوع شود). این کلمه، عنوان احترام‌آمیزی است که به جای خانه و محضر به کار می‌رود. به کسانی که در درگاه یک شخصیت بزرگ به نگهبانی و حفاظت مشغولند، «دربان» گویند. در بیان عظمت و قداست حرم‌های معصومین، به آن اعتبار مقدسه «درگاه ملک‌پاسبان» گویند؛ یعنی فرشتگان به پاسداری آن مشغولند. مجازاً به معنای خضوع هم به کار برده می‌شود؛ وقتی که گویند: دست نیاز به «درگاه خدا» برآوریم.

رواق

به قسمتی از خانه و هر بنا که سقف و سایه‌بان دارد و به سایه‌بان ورودی یک خانه «رواق» گویند. به همین سبب، به آسمان هم که چون سقفی بر سر ما سایه افکنده، «رواق اخضر» یا «رواق زبرجد» یا رواق «نیلگون» گفته می‌شود. به پرده بلندی که از پیشگاه خانه، از بالا تا پایین آویخته شود نیز رواق گویند.^۷ «رواق منظر چشم» که در شعر حافظ آمده، به معنای مردم است.^۸ در حرم‌های مطهر، قسمت‌های سرپوشیده‌ای که در اطراف قبر و ضریح است و برای دعا و زیارت و نماز و عبادت در آن جا می‌نشینند، «رواق» نام دارد. حرم امام رضا (ع) رواق‌های متعددی دارد که هر کدام را نام خاصی است، مثل رواق دارالزهد، رواق دارالولایه (به واژه «دار» مراجعه شود).

روضه‌منوره

«روضه» به معنای باغ و بوستان است، «روضه رضوان» نام بهشت است: (پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت...) در قرآن کریم نیز از بهشت، با نام «روضات الجنات» یاد شده است.^۹ طبق روایات، قبر هر کس، یا باغی از باغ‌های بهشت است، یا حفره‌ای از حفره‌های جهنم. به حرم نورانی حضرت رسول (ص) روضه منوره یا روضه نبوی و روضه محمدی گفته می‌شود. در حدیثی از آن حضرت نقل شده است که بین قبر من و منبر من، باغ و روضه‌ای از باغ‌های بهشت است: ﴿مَا بَيْنَ قَبْرِي وَ مَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ﴾^{۱۰} برخی هم بر این باورند که قبر حضرت زهرا (س) در این محدوده است؛ چون این محدوده به عنوان «روضه» معروف است، قداست خاصی دارد و نماز و عبادت در آن هم فضیلت بسیار دارد. به تناسب حدیث نبوی که یاد شد، به هر قبر و مزار و حریمی از قبور اولیاء الله هم روضه گفته می‌شود؛

مثل روضه رضوی و روضه علوی و روضه حسینی و عباسی. در شعر خاقانی آمده است:

بر سر روضه معصوم رضا
شبه رضوان شوم ان شاء الله
گرد آن روضه چو پروانه شمع
مست جولان شوم ان شاء الله^{۱۱}

زائر

دیدار کننده؛ کسی که به دیدار یک شخصیت یا حرم و زیارت‌گاه می‌رود؛ کسی که خانه خدا یا مدینه و عتبات را زیارت می‌کند. در روایات، از زائران قبور و اولیای الهی ستایش شده و توصیه شده که به زیارت زائر بروند و از او استقبال کنند و تهنیت گویند.^{۱۲} در روایات، زائر مؤمن، زائر خدا به شمار آمده است و این اهمیت دیدار مؤمنان با یکدیگر را می‌رساند.^{۱۳} زائر، اغلب آنانند که از شهری به شهری می‌روند تا بارگاهی را زیارت کنند. در مقابل، به کسانی که مقیم شهرهای زیارتی‌اند «مجاور» گفته می‌شود (پیشتر درباره «جار الله» که به معنای مقیم مکه و جوار خانه خداست، بحث شد).

زائرسرا

خانه و اقامتگاه زائر؛ به خانه‌ها، مسافرخانه‌ها و حسینیه‌هایی که برای اقامت چند روز زائران در مکه، مشهد، کربلا و شهرهای زیارتی دیگر اختصاص دارد، زائرسرا گفته می‌شود.

زُوار

جمع زائر است؛ یعنی زیارت‌کنندگان، زائران.

زَوَّار

صیغه مبالغه از زائر است؛ یعنی بسیار زیارت‌کننده. البته در کاربرد رایج امروز، مفهوم کثرت ندارد و به هر زائر و گروه زیارتی هم زَوَّار می‌گویند؛ مثلاً می‌گویند: «اینان زَوَّار امام رضا (ع) هستند، به آنان احترام کنید»، که البته درست‌تر آن است که زَوَّار گفته شود.

زیارت

زیارت دیدار کردن و ملاقات؛ به دیدار کسی یا جایی یا حرم مقدسی رفتن؛ دیدار پیامبر خدا یا امام معصوم، در حال حیات یا پس از وفات و شهادتشان. زیارت، یکی از برنامه‌های تربیتی و سازنده است که هم زائر را با انسان‌های نمونه و محبت‌های خدا

شیعیان و عشایر آن منطقه بسیار رایج و مورد اهتمام است و پیاده‌روی زائران در این روز از نجف به سوی کربلا بسیار با عظمت است.

(ادامه دارد)

پی‌نوشت

۱. آل عمران، آیه ۳۵.
۲. بقره، آیه ۱۲۵؛ حج، آیه ۲۶.
۳. ابراهیم، آیه ۳۷.
۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۳۵ به نقل از دروس.
۵. لغتنامه دهخدا، ذیل واژه «خطبه».
۶. سلمان هادی طعمه، تراث کربلا، ص ۱۱۱.
۷. لغتنامه دهخدا، ذیل واژه «رواق».
۸. رواق منظر چشم من آشیانه توست / کرم نما و فرود آ که خانه، خانه توست.
۹. شوری، آیه ۲۲.
۱۰. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۶۷.
۱۱. لغتنامه دهخدا، ذیل واژه «روضه».
۱۲. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۰۲.
۱۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۵۷.
۱۴. همان، ص ۲۷۸.
۱۵. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۴.
۱۶. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۷.
۱۷. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۱۱.
۱۸. در زمینه زیارت رک: «فرهنگ زیارت» از همین قلم.
۱۹. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۳.

آشنا و مرتبط می‌سازد، هم روح و روان او را تصفیه می‌کند، هم موجب بهره‌مندی از شفاعت معصومین می‌شود، هم سبب احیای نام و یاد کسی می‌شود که به زیارتش می‌رویم. زیارت خانه خدا و انجام مناسک دینی در مکه که به نام «حج و عمره» معروف است، از عبادت‌های مهم و سازنده است. زیارت قبر پیامبر خدا ﷺ و مدفونین در بقیع هم مکمل این زیارت است.

به فرموده امام صادق علیه السلام: زیارت قبر رسول خدا ﷺ و زیارت قبور شهدا و زیارت قبر امام حسین علیه السلام برابر است با یک حج مقبول همراه پیامبر^{۱۴}. نیز فرموده است: «مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا فَكَأَنَّمَا زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا»^{۱۵} هر کس ما را پس از وفاتمان زیارت کند، گویا ما را در حال حیاتمان زیارت کرده است.

زیارت قبور مطهر ائمه، گاهی برای احیای یاد و تعالیم آنان است و نوعی تجدید عهد و پیمان با امامان به شمار می‌رود. به فرموده امام رضا علیه السلام: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ»^{۱۶} برای هر امام، عهد و پیمانی بر گردن دوستان و شیعیان اوست و از جمله نشانه‌های وفای کامل به این عهد، زیارت قبور آنان است. بر زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام و امامان دیگر و زیارت خانه خدا و حرم نبوی بیش از همه تأکید شده است. البته زیارت قبور صلحا و علما و شهدا هم فضیلت و ثواب دارد. امام صادق علیه السلام فرموده است: «هر کس نمی‌تواند قبور ما را زیارت کند، قبور برادران صالح ما را زیارت کند»^{۱۷} فرهنگ زیارت در جوامع شیعی و حتی اهل سنت رایج است و به عنوان یک سنت اسلامی رواج دارد و شبهات وهابیان نسبت به این عمل، از جهل آنان نسبت به مبانی اسلام و احادیث دینی و جمود آنان بر تعصبات خویش سرچشمه می‌گیرد.^{۱۸}

زیارت اربعین

زیارتی که در روز اربعین امام حسین علیه السلام (بیستم ماه صفر) انجام می‌گیرد. زیارت آن حضرت در این روز ثواب بسیار دارد و در روایات، از نشانه‌های مؤمن و شیعه راستین به شمار آمده است. از امام عسکری علیه السلام روایت است که فرمود: مؤمن پنج نشانه دارد: نماز پنجاه رکعت (واجبات و نوافل)، زیارت اربعین، انگشتر در دست راست کردن، در سجده پیشانی بر خاک نهادن و بسم الله الرحمن الرحیم را در نماز بلند گفتن.^{۱۹} متن زیارت‌نامه‌ای که در اربعین (چه از نزدیک حرم یا از راه دور) خوانده می‌شود و به «زیارت اربعین» مشهور است، از امام صادق علیه السلام روایت شده و در کتاب‌های دعا آمده است. جابر و عطیه، دو شخصیتی بودند که در اولین اربعین پس از شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا به زیارت قبر آن حضرت رفتند. سنت زیارت اربعین به‌ویژه در سرزمین عراق و میان

